tarikhema.org

شماره ۲۳

خاک و خون

تقصیر از کیست؟

دانشگاه باید کانون گسترش سیاست ملی باشد

جامعه‌ما بامشکلات بسیاردست بگریبان است ـ مشکلاتی که‌ماداریم باید درمقام‌قیاس‌باآن زندگی که‌شایسته‌ملت ما است شناخته گردد، زندگی که دوراز هرگونه زبونی وتیره‌روزی‌خواهد بود ـ به‌بیانی‌دیگر، مشکلات‌اجتماعی‌ما‌عبارت‌است‌از‌نیازهای‌ملت ما ـ شناسائی نیازهای‌ملی ودریافتن راه برآورده‌ساختن‌این‌نیازها ازمهمترین وظائفی است که‌عوامل‌ارشاد کننده‌وسازمانهای‌اجتماعی بعهده‌دارند

هیچ‌سازمان اجتماعی نیست که عبث و بدون سبب بوجود آمده‌باشد ـ این‌سبب وانگیزه ویافلسفه‌وجودی‌هرسازمان‌اجتماعی سوای رفع‌نیازملی و گشودن عقده‌ای از مشکـلات اجتمـاعـی چیزی‌دیگر نمیتواندبود ـ بنابراین، برای بررسی‌نسبت به‌نحوه کارهرسازمان‌اجتماعی ،برای‌داوری‌دراین‌باره که‌هریك‌ازسازمان‌ـ های‌اداری واجتماعی وظائف خودرا بچه‌کیفیت انجام‌داده‌اند ، باید نیازهای ملی راشناخت‌وبه وابستگی های آن سازمان بـا موجودیت ملت ووظائفی که در پیشگاه ملت بعهده دارند آگاه بود .

اکنون ، ازمهمترین‌مشکلات‌اجتماعی‌ما ، مسئله جوانان است ـ نسل‌جوان‌ملت ماهرگز جایگزینی‌لازم‌را درامور‌اجتماعی نیافته‌است‌وسازمانهای‌ارشاد کننده‌نیز‌نتوانسته‌اندویانخواسته‌اند که موقعیت‌اساسی نسل جوان را در بنای اجتماعی ایران در نظر آورند.

بدین مناسبت آنگونه پیوندی که‌باید میان نسل‌جوان و برنامه‌هاوطرحها و سازمان اجتماعی ایران وجود داشته باشد اکنون‌موجود نیست .

این عدم پیوندواین خلاء میان نسل‌جوان وسازمانهـای اجتماعی برای‌چه‌بوجود آمده‌است؟ آیاجوانـان‌مسئول ایجاد این فاصله هستند، آنان که‌وجودشان پرازعشق‌بایران وپرازآرزوهای بلند پایه‌برای آزادگی‌وبزرگی‌این‌سرزمین‌است؟ آیا آنچه راکه بنام‌مشکل‌جوانان‌مینامند ـ آنچه‌را که عبارت‌است ازحالت‌کناره جوئی‌وعدم همکاری در‌برنامه‌های همگانی و اجتماعی جوانان بوجود آورده‌اندویاآنان که‌مسئولیت اداره‌موسسات و سازمانهائی را داشته‌اند که‌جوانان‌را درداماخودمیگیرد و پرورش میدهد؟

شماهنگامیکه دردبیرستانها و دانشگاههای‌خود محیط مرده‌ومسخ‌شده‌ای‌ایجادمیکنید که‌هرگونه بارقه امید و کوشش اجتماعی‌رادرآن‌میکشید، چگونه‌انتظاردارید ازدامان‌چنین‌محیطی دلهای‌گرم وروانهای‌مصمم‌وخروشان بدامان اجتماع سرازیر گردد .

همه شاهکار مدیریت و نبوغ‌تعلیم‌وتربیت کسانیکه تاکنون مراکزآموزشی‌وآکادمیك‌این‌مملکت‌را اداره کرده‌انددراین‌بوده است که‌محیطهای‌آموزشی ایران را بکانونهائی سرد و مـرده تبدیل کنند.

آنان **شعار«دوربودن‌سیاست‌رااز‌محیط‌آموزشی»** بمانند شامخ ترین اصل تعلیماتی‌خود موردانکاء قرارداده‌اند ـ

چنین اساس‌نادرستی میرساندکه چگونه همه کوششهائی که درمحیط های‌آموزشی‌میهن‌ما صورت میگیرد . جزاین‌نتیجه‌ای نخواهد داشت که فردرا ازپیکره اجتماع خود بگسلد ، بارقه‌های آرمانهای اجتماعی‌را درنهاد او خاموش‌سازد و او را به‌عنصری مایوس ودل مرده تبدیل کندکه هرگاه ضربات مدهش این نظام آموزشی همه وجود اوراخرد وبی‌ثمر نساخته باشد ، فقط بدنبال مصالح فردی خودوتمنیات شخصی‌خویش‌روان گردد. بقیه‌درصفحه ٤

نقل‌از: ناسیونالیسم (۸)
نشریه‌حزب پان‌ایرانیست
در اروپا

مباحث ناسیونالیسم ایلین

پاسخ به : آدمیزاد

ما با کسی دشمنی نداریم

ما باحکومتهای‌عربی مخالفت ودشمنی نداریم مگرآنکه آنان بحقی ازحقوق ملت ما تجاوز کرده ویا قصدتجاوزداشته باشند

ملتهای زنده‌امروزکه سابقه کهنی چون ملت ایران ندارندبا هزارگونه‌تشبث وتوسل به‌شیوه‌ـ های انجمن سازی و استفاده از پدیدآوردن مراکزرقص وقمار و غیره درصدد آن هستند تا بلکه بتوانند زبان وادبیات خودرا به تنـی‌چند بیامـوزند وازاینـرو موجودیت معنوی خویش‌را بسط دهند شایدکه روزی آنرا وسیله بهره وری‌مادی سازند. بقیه درصفحه ۳

یك نامه از بحرین

بحرین را دریابید

توطئه امپریالیسم برای جدائی استان ۱۴

ازسوی یکی ازهم‌میهنان بحرینی نامه‌ای برای ما رسیده‌است ـ اونتوانسته‌است این‌نامه‌را ازبحرین استان چهاردهم میهن‌ما بتهران بفرستد ـ زیرا حکومت جبار دولت دست نشانده شیخ بحرین‌با ده‌ها هزار هم میهن‌دیگر ماکه دراین‌گوشه ازوطن درزیر تازیانه های استعمار بسر میبرند اجازه نمیدهد تاآنان‌نامه بسوی قسمتهای دیگر میهن خود بفرستندبدین مناسبت این هم میهن بحرینی‌نامه خود را ازطریق بمبئی برای ما فرستاده است .

نامه او حقایق دردناك وغم‌انگیزی را باخودداردنامه‌او‌حکایت میکندکه **چگونه امپریالیسم‌انگلیس‌بدنبال ایجادیك‌واحد مستقل اقتصادی ازجزایر وشیوخ‌بحرین دوبی ـ شارجه وقطر میباشد** واکنون درراه اجرای‌این برنامه است‌که با نهایت سفاکی‌هرگونه ارتباط بحرین‌را با ایران‌قطع نموده‌اند واموال‌ایرانیان بحرینی رامصادره میکنند وبه‌آنان نهایت ظلم وستم را روا میدارند.

امپریالیسم انگلیس برای‌بحرین به انتشاراسکناس مخصـوص دست زده است ما ایـن خبر را چندی پیش در روزنامه «خاك وخون» منتشر نمودیم و کلیشه یکی ازآن بقیه‌درصفحه ٤

چرا مسئولین مرتکب جرم میشوند

سخن روز آژیر

دکتر شیخ‌الاسلام بیش‌از دومیلیون مالیات را بدولت نپرداخته

اگرمردم بدانندومطمئن باشند که‌مبارزه بافساد یك‌امرجدی‌است وهیچ‌کس مجاز بانحراف و خیانت‌وتصرف ناحق‌در اموال‌عمومی نیست‌هرکس بموردی‌ازتخلف برخوردکندفورا آن‌را بازگومیکند ودرنتیجه‌خطاها‌درهمان آغازکارآشکار میشود وخطاکار بمجازات‌میرسد ..

بطوریکه درجرایدمنعکس گشت،دکتر شیخ‌الاسلام‌رئیس سابق‌دانشگاه‌ملی‌مبلغ دو میلیون و چهـارصدهزارتومان مالیـات‌حقوق کارمندان دانشگاه‌ملی رابدولت‌نپرداخته‌است گزارشهاحاکی‌است که‌این‌مبلغ راازحقوق‌استادان‌وکارکنان دانشگاه کسرکرده‌ولی‌ازپرداخت‌آن‌بوزارت‌دارائی‌خودداری نموده‌است‌ونیزمعلوم‌شده‌است ازاین‌مبلغ‌چهار صد هزار‌ریال مالیات حقوق‌خود ایشان بوده‌است . بقیه‌درصفحه ۳

نمونه‌ای‌دیگر ازاسکناسی که‌امپریالیسم‌دربحرین‌رایج کرده‌است

---

tarikhema.ir

تفسیر سیاسی

از: دکترعباس روحبخش

کنفرانس ۳۶ کشور افریقائی

تنها راه برای دفاع از چهار میلیون سیاه‌پوست رودزیا

سی‌وشش‌کشور افریقائی سرانجام قدم پیش‌نهادند واقداماتی جدی علیه چپاولگران مهاجر که‌بصورت‌دولت‌شورشی‌یان‌اسمیت دررودزیای‌جنوبی‌قدعلم کرده‌اند آغازنموده‌اند . سی‌وشش کشورعضو سازمان وحدت کشورهای‌افریقائی اعـلام کردندکـه هرگاه دولت انگلیس تا روز پانزدهم دسامبر (۱۰ روز دیگر) حکومت‌یانـ اسمیت را در رودزیا سرنگون نسازدکشورهای‌افریقائی‌مناسبات خودرا با انگلیس قطع خواهند کرد . شورای وزیران سازمـان وحدت‌کشورهای افریقائی پس‌از شش‌ساعت‌مذاکره پیرامون‌مسئله رودزیا قطعنامه‌ای‌تصویب کردکه بموجب آن دول افریقائی‌رودزیا را تحت محاصره‌کامل اقتصادی قرار خواهند داد وکلیه وسایل ارتباطی‌باآن کشوررا‌قطع‌خواهند کرد ـ به هواپیمـاهائی که قصد پرواز به رودزیارا دارند اجازه عبور ازآسمان‌کشورهای خود را نخواهندداد کلیه‌حسابهای‌رودزیا را در بانکهای ممالك افریقائی توقیف‌خواهند نمود وکلیه‌اسناد ومدارکی‌راکه ازطرف حکومت رودزیای جنوبی صادر شود فاقد ارزش واعتباراعلام‌خواهند‌کرد. این‌شورا درپایتخت‌اتیوپی‌تشکیل شدووزیران کشورهای‌عضوسازمان وحدت افریقا از همه کشورهای جهان خواستند تا از ارسـال مـواد نفتی بـه رودزیـا بقیه درصفحه ۳

مردم و صنایع نفت ایران

چرا بیش از هشتصد و بیست‌وسه‌هزار نفر از نمایشگاه صنایع نفت دیدن کردند

طبق‌اعلام‌اداره‌روابط‌عمومی شرکت ملی‌نفت‌ایران‌تاروزجمعه ۱۲ آذرمـاه بیـش‌از هشتصد و بیست‌وسه‌هزارتن‌ازهم میهنان‌ما نمایشگاه‌صنعت نفت ایران رادر نمایشگاه کالاهای ایران مـورد بازدید قرارداده‌اند .

بنظـرما این رقمی گویا ، افتخار آمیزوهدایت کننده‌است. رقمی‌است گویا بدان‌سبب که نشان‌میدهد مردم این‌سرزمین تا چه اندازه‌پس‌ازملی شدن صنایع نفت‌به‌این‌میراث طبیعی‌میهن‌خود وثمره کوششهای هم‌میهنان خـود توجه‌دارند.

این‌رقم که خوشبختانه بـا دستگاههای دقیق کنترل کننده که‌از طرف‌شرکت‌ملی نفت‌ایران روی‌درهای ورودی نصب گردیده بقیه درصفحه ٤

پیرامون‌نامه‌جمعیت ایرانی‌طرفدار‌حکومت‌متحده‌جهانی

(۱۰) از: آرمـان

حقیقت اندیشه انترناسیونالیسم

احزاب و سازمانها و مطبوعات وابسته باستعمار نوین

یکی ازوسائل مهم وابزار کاراستعمارگران نوین‌درکشورـ های استعمارشده‌وباکشورهائیکه استعمارگران میخواهند تاروپود سیاست استعماری‌خودرا درمحیط آن‌کشورها به تنندتشکیل‌احزاب و سازمانهای وابسته بـه سیاست استعماری‌خود میباشد .

ازمشخصات و ویژه گیهای تاریخ دیپلماسی‌استعمار نوین‌ایجاد فرقه ها ـ احزاب و سازمانهائی است که بصورتهای‌گوناگون در میدان‌کوششهای‌تبلیغاتی‌ونفوذی قدرتهـای استعمارگر بوجود آمده است واساسی‌ترین نقش را برای فریب افکارعمومی‌وفراهم ساختن موجبات اجرای‌طرحهای استعماری‌بعهده دارند . درچنین موردی بایدباین‌واقعیت اندوهبار توجـه داشت هرگاه دوشادوش استعمار کهنه و در تاریخ سیاه و بقیه درصفحه ٤

کاپ خلیج فارس

خاك و خون به تیم برنده کاپ «خلیج‌فارس» را هدیه میکند

دامنه فعالیت وکوششهای طرفداران«خاك و خون»هر روز بیش ازپیش در دور ترین نقاط کشور بچشم می‌خـورد ما یقین وایمان‌داریم که«خاك‌وخون» نشریه ایدال‌ملت ما بزودی‌همه قشرـ های اجتماع میهن ما را در بر خواهدگرفت و جوشش‌وکوششی عظیم را بدنبال خواهد داشت .

بطوریکه نمایندگی‌روزنامه «خاك‌وخون »اطلاع‌میدهد کوشش های پی گیر خوانندگان خاك و بقیه درصفحه ۳

گورستان شهیدان ..

دراینجا صد نفرهم نژادکرد بدون‌محاکمه درزیر توده های خاك زنده‌بگورشدند ـ کسی ازآنها خبرنداشت ـ هیچ‌کس نمیدانست که این عده صد نفری درکجا زندانی شدند ـ تنها چند نفر میدانستند، دوراننده تراکتور ونیز ...

نامه‌ای‌پرسوز،تکان دهنده، حاکی از رنج واندوه بسیار ازسوی‌برادری‌کرد به«خاك‌وخون» فرستاده شده‌است ـ نامه‌ای است که گوشه‌ای ازجنایات‌استعمار‌ـ گران‌وایادی آنهارا برای‌ازپای درآوردن این‌نژاد برومندواین ملت سترك آشکارمیسازد.

بیهوده نیست که‌ما میگوئیم نبردی عظیم وعمیق میان ملت ماوپاسداران تاریکی و ظلمت برقراراست ـ این‌نبرد در همه جبهه هاودرهمه‌سطوح درجریان میباشد ـ برخی‌می‌پندارند چون اکنون‌برروی‌خانه آنها‌بمب‌وآتش نمیریزند، چون اکنون آنان و فرزندانشان‌را بـزنجیر اسارت نکشیده‌اند وخانه‌وکاشانه‌آنهارا درآتش نمیسوزانند، پس‌زندگی آنان‌محفوظ‌ومصون‌است .

اماحقیقت جزاین است .. آنچه که‌برهر گوشه‌این‌سرزمین بقیه در صفحه ٤

خاك و خون و خوانندگانش

سیل‌نامه های خوانندگـان عزیز مابه پشتیبانی از خط‌مشی «خاك‌وخون»همچنان ادامه دارد، اگرچه‌انعکاس‌مختصری‌ازنامه‌های خوانندگان عزیز ستونی چند از روزنامه‌را اشغال می‌کندولی‌اگر به‌هدفهای خاك‌وخون توجه شود این نکتـه نمـودار میگردد که گردانندگان خاك‌وخون‌منظوری جز‌ارشادنسل‌جوان‌وهمه‌گروههای مردم‌این کشوردر دورافتاده‌ترین نقاط با خـاك وخـون پیـوندی ناگسستنی برقـرار کرده‌اند ، ندارد وانعکاس افکارو عقایـد آنهادربـاره‌روزنامه‌موردپسندشان درواقع کمترین تماس‌فکری‌ما با خوانندگان عزیز می‌باشد. بقیه درصفحه ۳

از: دکترعاملی‌تهرانی

راه اساسی برای اصلاح وضع سرپرستی دانشجویان

وقتی‌شما دروا خل‌کشور نمیدانید، دانشجوراچگونه میخواهید بارآورید، چه‌انتظاری‌هست که یك‌سرپرست با دواطاق کرایه‌ای که بآن‌نام‌اداره‌سرپرستی رادریك‌کشورخارجی‌داده قادرباشد دانشجویان ازهرجهت و بخصوص‌ازجهت آرمانهای‌سیاست‌ملی هدایت نماید.

پنجشنبه گذشته مسئله سرـ پرستی‌ها درمجلس شورای مـلی مورد بحث قرار گرفت ونسبت بوضع موجود آن شدیدا انتقـاد شد . وزیرآموزش‌وپرورش وعده دادکه‌دراصلاحات آینده نسبت‌به وضع سرپرستی‌های دانشجویان‌در کشورهای خارجی تجدیـد نظـر کنند.مسئله تحصیل درکشورهای خارجی‌وچگونگی‌وضع‌سرپرستی‌ها مدتهااست که مهمتریـن مسئلـه نظام آموزشی ایـران را تشکیل میدهد.در اینکه وضع‌سرپرستی‌ها درکشورهای خارج بسیار بداست شکی نیست . سرپرست‌هامعمولاازوضع دانشجویان ، ازهیچ جهت، مطلع نیستند و دانشجویان هم بقیه درصفحه ۳

از :تماشاگر

صدگونه تماشا

صحنه‌اول
اسب وسوار

درزندگی وفرهنك‌آریائی ملت ایران ، «اسب» این حیوان‌نجیب وتیزتك همواره جای بسزائی داشته‌است ـ داستانهای اساطیری وملی‌ما با‌نام‌اسبانی‌بادـ پای چون«رخش» و«شبدیز» و«قران»، که نخستین، اسب‌بادپای رستم‌است‌ودومین اسب‌شاهوار خسروپرویز وسومی اسب‌تیزتك‌وراهوار لطفعلی‌خان‌زند آشنا است ـ بی‌شك‌درادبیات ایران درباره‌اسب‌بیش‌ازهرحیوان رام دیگری سخن بمیان‌آمده که‌این خودنموداری ازآئین و طرزاندیشه این ملت‌است ـ اکنون شعری‌راکه محمدزهری شاعر شیرین سخن و پرمایه ما بنام « اسب‌و سوار» سروده است و باروشنائی بسیاراحساس وتفکرایرانی‌رانسبت باسب وسوار کارش‌بیان، داشته به‌نقل‌ازروزنامه‌گرامی فردا درج مینمائیم :

* یال افشان ، بادپیمانیزتك
اسبش‌ازصحرا وهامون برگذشت
آتش‌نعل سمند صخره‌کوب
ازستیغ ماه واز اختر گذشت

بقیه‌درصفحه ۳

دوگل و سارتر

هنوززهراندیشه لیبرالیسم واندیوید وآلیسم‌ازمغزهای‌مردم اروپا بویژه مردم فرانسه‌که از بنیان گزاران این‌اندیشه منحط بوده‌اند زدوده‌نشده است . در بحبوحه مبارزات تبلیغاتی وشور وغوغای‌انتخابات‌ریاست‌جمهوری فرانسه «ژان‌پل‌سارتر» نویسنده معروف فرانسوی ازمردم‌فرانسه خواست تـا بـه‌میتران یکی از نامزدهای‌ریاست‌جمهوری‌فرانسه رای‌دهندوشگفت آنکه‌بنیانـ درص ۳

mandegar.tarikhema.org
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

مشتی از خروار مشکی

از : احمد سمیعی

یک نامه

براثر تحریر دومقاله قبلی در زمینه بازنشستگی و خصوصا مطالبی که درشماره گذشته تحت عنوان (نیروی جوان وفکرپیر) قلمی شده بود عده‌ای ازدوستان صاحب نظر باینجانب مراجعه نمودند و مطالبی اظهار داشتند ومخصوصا یکی از ایشان طی نامه‌ای متذکر شده‌اند که «شمادر این مورد یک بحث اصولی را شروع کرده‌اید چه بهتر است که عقاید ونظرات مخالف وموافق را بررشته تحریر در آورده تا در طرح جدید استخدام باتوجه به تمام نکات اصولی مواردی گنجانده شود تا نه اشکالات گذشته را داشته باشد ونه موانعی برای آینده فراهم سازد.

نامه اینطور ادامه پیدا میکند « اصولا بازنشسته نمودن کارمندوپرداخت حقوق بازنشستگی عملی نیست که درمملکت ما کسی مبتکر آن بوده باشد ، قدردانی ازخدمات گذشته یک مستخدم از قدیم الایام مرسوم بوده وبتدریج که بشر از حیث روابط انسانی روبتکامل رفته مقررات ثابت و قابل قبولی که منافع خادم و مخدوم را متضمن باشد تدوین گردیده وامروز باندکی تفاوت درتمام ممالک و درادارات دولتی وموسسات ملی مرسوم ومتد اول است واین اصل جزو حقوق کلیه اشخاصیکه مدت معینی برای یک سازمان دولتی ویا ملی خدمت بنمایند درآمده است تا آنجا که حقوق زمان تقاعد امروز پایه زندگانی هزارها خانواده را شالوده گردیده و صحیح نیست که ما بگوئیم اگر دولت کسر بودجه دارد یا موسسه‌ای در معاملاتش متضررشده خط بطلان روی آن بکشد.

واما چرا اشخاص بازنشسته درسازمانهای غیردولتی استخدام میشوند، نظر اصولی در اینکار این است که چون موسسات ملی استطاعت تحمل پرداخت حقوق های طولانی برای ذخیره نمودن تجربیات افراد را ندارند از وجود اشخاص بازنشسته که یک عمر بخرج موسسه دیگری علم و تجربیات اندوخته‌اند باپرداخت حقوق نسبتا کمتری استفاده مینمایند واین اشخاص نیز که استطاعت جسمانی دارند وهنوز میتوانند منشاء خدمات موثر باشند نقش مهمی را دربالابردن سطح کوشش‌های موسسات خصوصی ایفا مینمایند و بهمین دلیل است که موسسات خصوصی درکمین این اشخاص هستند وگاه چند موسسه درآن واحد پیشنهاد ارجاع شغل به آنها مینمایند .

درکتابیکه یکی از نویسندگان معروف امریکا نوشته متذکر شده است که عمر حقیقی انسان ازچهل سال به بعد شروع میشود یعنی اشخاص ازچهل سال ببعد بدوره تکامل عقلانی میرسند و هرگامی را که برمیدارید با دقت در نظر دارند وشما باید رهنمون راه سعادتبار زندگی ملتی باشید که گرفتار امواج سهمناک دریای ظلم وستم استعمار خارجی و ایادی داخلی آن شده است.

آقای رحمت‌اله سعیدی دانش‌آموز از زنجان می‌نویسد :

امیدوارم با این هدف‌های مقدسی که در پیش گرفته‌اید کامیاب و موفق باشید . چاپ مطالب آموزنده و ارزنده که دفاع از ملیت ایرانیان اصیل وکردان با شرافت ایرانی را دربردارد موجباتی است که باید ازصمیم دل تبریک گفت .

دوشیزه رخساره نیک‌انجام دانشجوی دانشگاه می‌نویسد،

«خاک وخون» ستاره درخشانی است که بحق درآسمان ایران درخشیدن گرفته است . در طول عمر خود ، هیچ روزنامه‌ای را ندیده‌ام که این چنین پرشور درراهی قدم بردارد که محققا جز به سربلندی و عظمت ایران نخواهد انجامید . این روزنامه بی‌محابا نواقص را گوشزد میکند و برای هرانتقاد خود راه حلی مثبت عرضه می‌نماید طلوع چنین روزنامه‌ای را با همه وجود تبریک میگویم وامیدوارم که بتوانم درراه مقاصد مقدس وافکار بلندپایه مسئولان روزنامه «خاک وخون» قدمی هرچند کوچک باشد بردارم تا وجدان ملی‌ام راضی گردد .

آقای سید مظفر علوی نامه شما رسید ضمن اظهار تشکر از احساسات بی شائبه شما روزنامه به آدرس مورد نظرتان فرستاده خواهد شد .

بقیه مباحث

پس چه دلیل دارد ملت ما باداشتن آئین فرهنگی و انسانی که رسالت عظیم ما ونسلهای آینده راپدید میآورد ازهمبستگی‌های فرهنگی ـ نژادی ـ مذهبی ودینی که باملل دیگر دارد چشم بپوشد وهمبستگان خودرا که درمعرض تجاوز وقتل عام بیگانگان هستند یکباره فراموش کند؟

اینها است دلائل ناسیونالیستی مادرحفظ علائق ما با ملل آریائی آسیا ودرعین حال بااسلام وتشیع ای آدمیزاد عجیب وعزیز! نمیدانیم چگونه ازتوسپاسگزاری کنیم ؟

نامه‌تو گنجینه بزرگی بود، گنجینه‌ای مملواز اشتباهات، اشتباهاتی که متاسفانه بسیاری از فریب خوردگان چون تو بدان دچارند .

درقسمتی دیگرازنامه گرانبارتودوعبارت هست که هریک در خورآنست که آدمیزاد عزیز را بخواندن کتابها ورساله هائی رهنمون شویم، باشد که خدای بزرگ نیز نور هدایت خویش را از این بنده گمراه دریغ نکند وبساحل نجاتش بازآورد .

میفرمائید «شما بااسلام وتشیع چه پیوندی دارید؟ شما که اعلام می‌کنید پیوستن حکومت عراق به‌جرگه حکومتهای عربی سلب حقوق هم میهنان ایرانی ما درخطه باستانی تیسفون است».

آدمیزاد بزبان بی‌زبانی در جمله بالا چنین افاده مقصود میفرمایند که ماچطورمسلمان یاچطور شیعه‌ای هستیم که از پیوستن عراق به حکومتهای عربی خوشمان نمی‌آید . آدمیزاددچار تعجب شده‌است چطورکسی ممکن است مسلمان باشد وآنگاه با تمایلات استعماری اعراب مخالف باشد؟ آدمیزاد ! تعجب میکنند که چگونه ممکن است کسی از طرفی بگوید من مسلمانم وازطرفی وقتی عربها میگویند همه عراقی‌ها عرب هستند این ادعای بی‌اساس را نپذیرد.

متاسفانه دراینجا آدمیزاد همان اشتباهی را مرتکب شده است که گردانندگان دستگاه حاکمه مرتکب میشوند. گردانندگان دستگاه حاکمه هروقت میخواهند خیلی بمسلمانی تظاهر کنند بکلی بزبان عربی وبلهجه یکی از قبایل عرب سخن میگویند. گوئی چنین می‌پندارند که شخص هرچه عرب‌تر باشد مسلمان‌تر است! آدمیزاد هم مسلمان وعرب رادو کلمه مترادف میداند و بهمین دلیل میگوید شما چطور علاقه‌مند باسلام وشیعه هستید که با تمایلات سیاسی وتجاوز آمیز عربها مخالف هستید.

مادر صفحات گذشته علت حمایت بیدریغ خود را از تشیع و پیروان این مذهب بیان کردیم و ازتکرار آن نیز بی‌نیازیم ، اما از طرفی خاطرخطیر آدمیزاد رایکبار دیگر متوجه میسازیم که عرب بودن بامسلمان بودن فرق دارد. عرب عبارت ازافراد ملت‌های گوناگونی است که درقسمتی ازخاور نزدیک ومیانه وشمال افریقا زندگانی میکنند واین ملتها چون درتاریخ گذشته خود سیطره امپراطوریهای مختلف راتحمل کرده‌اند ازآثار سیطره امپراتوریهای گذشته وجوه مشترکی یافته‌اند که ازهمه مهمتر زبان عربی است که یادگار حکومت خلفای اسلامی میباشد واینک مردمی با نژادها وملیتهای گوناگون بحکم آنکه یادگار سیطره یکی از امپراتوریهای پیشین یعنی زبان عربی را باخودحمل می‌کنند از تبارها ونژادها وملیتهای خود چشم پوشیده‌اند وخویشتن راعرب میشمارند وما نیزاین پندار را از آنان قبول می‌کنیم وآنها را عرب میدانیم. نکته شایان گفتن اینست **که ما با حکومتهای عربی مخالفت ودشمنی نداریم مگر آنکه آنان بحقی از حقوق ما تجاوز کرده و یا قصد تجاوز داشته باشند . مثلا با ملت مصر چه خود را عرب بداندوچه نداند دشمنی ونقاری نداریم وحتی مبارزات ضد استعماری آنان را درمورد آزاد کردن کانال سوئز با ستایش بسیار یاد می کنیم**

ولی ازروزیکه حکومت ناصر نغمه تجاوز بخلیج فارس را ساز کرد چون بحق مسلم ملت ایران قصد تجاوز کرده است بمخالفت با اوبرخاستیم وتا زمانیکه آثار این تجاوز طلبی ازحکومت مصر زدوده نشود مخالفت ومبارزه ما با اوانصراف ناپذیراست.

اما مسئله عراق که فهم آن برای شما تا این اندازه دشوار آمده است نیز مسئله ایست بسیار روشن که چون آفتاب درخشان و آشکار است .

پس ازجنگ بین‌الملل اول که امپراطوری عثمانی منقرض گردید ومستملکات آن درتصرف فاتحین جنگ درآمد ، آنان چنانکه معمول است بتشکیل واحدهای سیاسی اقدام کردند و وچون درزمان جنگ بعضی اززعمای عرب کمکهای موثری به نیروهای انگلیس کرده بودند انگلیسیها نیز بعنوان پاداش ببعضی از آنان شاهی کشوری رابخشیدند ، بیکی ازاینگونه شاهان نیز کشورعراق تفویض شد . اما این کشور که ساخته سیاست استعماری پس ازجنگ نخستین جهانی میباشد ازمردم ناجوری ترکیب شده بود که اکثریت ایرانی واقلیت عرب بودند ولی چون حکومت مورد قبول انگلیس خاندانی عرب، نژاد بود ارکان حکومت را باعراب سپردند وآن راکشوری عربی قلمداد کردند .

آنچه ما میگوئیم اینست ، کشوریکه اکثریت آن غیر عرب هستند نمی‌تواند یک کشور عربی قلمداد شود .

جای انکار ندارد که از قانون سوءاستفاده‌شده وبایستی درآینده ترتیبی اتخاذ شود که قانون وسیله اعمال اغراض خصوصی اشخاص نشود .

نکته دیگریکه تذکر آن لازم است این موضوع میباشد که طرز موهن باز نشسته نمودن اشخاص وتصفیه حسابهای خصوصی بحدی اثرات سوء ایجاد نموده که در خانواده‌ها هرگاه بزرگ آنها باز نشسته میشود ازنظرجوانان آن شخص از بین رفته ومهمل تلقی میگردد وحتی درامورزندگانی نیز بدستورات او که نتیجه یک عمر تجربه است وقعی نمیگذارند و نظرات اورا خارج ازمد روز و کهنه بحساب میاورند که یکی از علل رواج فساد اخلاق در بین جوانان وجود وهمین نحو تفکر است که بعضی ازاشخاص بخاطر منافع شخصی خود هرروز بشکلی آنرا دامن میزنند ولی به یک نکته توجه ندارند که مساله پیر شدن جنبه اختصاصی ندارد واین شتردرخانه خود آنها هم روزی خواهد خوابید ، نامه نویسنده در اینجا پایان میپذیرد ولی ما بازهم در فرصتی دیگر این بحث را دنبال خواهیم نمود .

نمایندگان خاک وخون درشهرستانها

آمل ـ کتابفروشی اخوان ـ آقای محمدعلی توللی
ساری ـ آقای محمد ایمانی
شوش ـ دبستان ماندانا ـ آقای مجید صمدی
خرم‌آباد ـ کتابفروشی دانش ـ پل ولیعهد
دزفول ـ آقای جلال قلمیر ـ خیابان سیروس
اراک ـ مطبوعاتی ولیخانی
بندرمعشور ـ بنگاه مطبوعاتی وکتابفروشی ۲۵ شهریور
شاهی ـ کتابفروشی پارس

آگهی جهت اطلاع شرکت سهامی اتشکوه

آقای ابوالقاسم تفضلی وکیل بانک ملی ایران دادخواستی بخواسته یکصدهزارریال بطرفیت شما وغیره تقدیم دادگاه شهرستان تهران نموده که بشماره ۴۴ر۴۱۷ درشعبه اول دادگاه مزبورتحت رسیدگی است چون شما درنشانی تعیین شده میدان سپه اول ناصریه پاساژ امیر شناخته نشده اید حسب درخواست وکیل خواهان و بموجب دستور دادگاه برطبق ماده ۱۰۰ آئین دادرسی مدنی مراتب سه نوبت متوالی در روزنامه رسمی ویکی ازجرائد کثیرالانتشار محلی آگهی میشود که روزچهارشنبه هفدهم فروردینماه ۴۵ ساعت ۸ ۱/۲ صبح درداگاه مزبور جهت رسیدگی حاضرشوید درصورت عدم حضور دادگاه غیابا رسیدگی واتخاذ تصمیم خواهد نمود و چنانچه منبعد ابلاغ اخطاری بشما لازم باشد فقط یک نوبت در یک روزنامه درج ومدت آن ده روزخواهد بود .

مدیر دفتر شعبه اول دادگاه شهرستان تهران ـ اقبالی

۶۳۳۹رم الف ۱ـ۳ آ ـ ۱۱۰

آگهی احضار

بدین وسیله به ناصرصانعی‌پور فرزند غلامعلی راننده اهل و ساکن تهران خیابان رودکی متهم بتوهین بمامورد ولت درحین انجام وظیفه درپرونده کلاسه ۲ـ۱۴۱ـ۴۰ کیفری بازپرسی که فعلا مجهول المکان میباشد .

اخطار میگردد که ظرف مدت دوماه پس ازنشر آخرین آگهی درشعبه اول بازپرسی دادسرای دماوند حاضروالا پس ازانقضای مهلت قانونی تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد شد .

بازپرس دادسرای شهرستان دماوند ـ معاونی

آ ـ ۱۱۲ ۶۳۲۵رم الف ۱ـ۳

جراح پلاستیک وزیبائی
دکتر علاءالدین خطیر

تلفن : مطب ۳۶۴۴۹ ـ منزل ۹۵۸۳۵ آ ـ ۱۴ ۲ ـ ۱۰

خیابان سعدی روبروی سینما ادئون

دکتر حسین طبیب
دندان پزشک

نشانی ـ ابتدای خیابان امیرآباد چهارراه فرصت

شماره ۳۹ تلفن ۴۲۱۹۳

پذیرائی ـ بعدازظهر ها

طرح نودرباره
آموزش وپرورش ملی

ازدکتر محمدرضا عاملی تهرانی
دانشیار دانشگاه تهران

کتابی که مسائل آموزشی را ازدیدگاه ناسیونالیسم مورد بحث قرارداده‌است. کتابیکه میتواند مبنای طرحهای آموزش وپرورش برای رفاه وسربلندی ملت ما باشد

کتابیکه علت تلف شدن نیرو های انسانی را در دبیرستانها ودانشگاه تشریح می‌کند وپیشنهادهای ریشه‌دار وقابل اجرا عرضه میدارد .

این کتاب که مدتی نایاب بود اکنون دردست روزنامه فروشهاست.

در شهرستانهای میهن ما

اهواز

● نامه ای بامضای آقایان غلامعلی خرمی و شعبان دانیاری نمایندگان ساکنین اهواز قدیم خیابان علوی بدفتر روزنامه رسیده است که نامه مزبور شکوائیه‌ایست به شهردار اهواز که عینا قسمتی ازمطالب آن درج میگردد .

اینجانبان ساکنین اهواز قدیم خیابان علوی درسال گذشته چندین بار چه طی نامه ها وچه شفاها وضع وخیم وکثیف خیابان مسکونی خویش را بعرض رساندیم وبا تذکر بنامه‌ها وشکایاتیکه درسنوات قبل ازطرف اهالی بهمین منظور بشهرداری شده و ترتیب اثری داده نشده بود اظهارداشتید که چون درحال حاضر مشغول اسفالت خیابان مدخل شهر هستیم برایمان مقدور نیست که بدرخواست شما ترتیب اثر دهیم ولی من بشما قول شرف میدهم که در پایان فروردین ماه سال ۴۴ کار اسفالت این خیابان تمام شده باشد و اضافه نمودید که یک فلکه مثلث‌شکل نیز برای آنجادر نظر گرفته‌ایم با توجه بتاریخ قول شما وتاریخ امروز باید گفت که جنابعالی نه تنها بقول خود عمل ننموده‌اید بلکه کوچکترین اقدامی که مبین توجه شما بقولتان باشد نکرده‌اید و لذا لازم دانستیم که باستحضار برسانیم که،

آیا چون خیابان ما درمدخل شهر نیست واگر شخصیتی ازتهران بیاید آنرانخواهد دید مردمش باید درگرد وخاک ولجن زار ومحیط آلوده زندگی کنند ؟

آیا چون مردم این نقطه شهرافرادی زحمتکش و شریف بوده وقسمتی ازافرادی راتشکیل میدهند که گرداننده چرخ اقتصاد کشور هستند بایداز ابتدائی‌ترین مواهب تمدن محروم باشند ؟... ما توجه مسئولان امررا بمطالب فوق جلب میکنیم.

شادگان

● ازشادگان می‌نویسند ، که اختلاف درفرهنگ شادگان ریشه دوانیده‌است وفرهنگ آنجادرنابسامانی بسرمی‌برد درشادگان دبیرستانی وجود داردفاقد کلاس چهارم . آنهاکه بضاعت مالی دارند بعد ازاتمام کلاس سوم بشهرستانهای دیگرمیروندو آنها که فقیراند ناچار ولگردی را انتخاب می‌کنند ویا برای کسب وکار عازم دیارغربت میشوند جای تاسف است که شهرستان شادگان باجمعیت صدهزار نفریش فاقد کلاس چهارم می‌باشد.

مهاباد

● ازمهاباد می‌نویسند : چندسال است که مهاباد ودهای اطراف آن دچار قهرطبیعت وکم بارانی شده است وسالها بوده‌است که مردم انتظارساختن سدی راداشته‌اند . حال که سدساخته میشود ودرحدود ۲۰۰ نفرکارگر وسنگتراش بکارگمارده‌اند باکمال تاسف بایدگفت که حتی یک کارگر و سنگتراش کرد را بکار نگماشته‌اندما حتی حاضریم با مزد بسیارکمتر کارکنیم ودرحالی که ما وخانواده‌هایمان در نهایت تنگدستی بسرمی‌بریم آیا این ظلم نیست که کارگر ازنواحی جنوب وسایرقسمتهای ایران استخدام می‌کنند .

خاک وخون و مطبوعات

آقای مصطفی ملالی ـ دانشجوی دانشکده اقتصادو علوم بانکداری باخط بسیار زیبائی می‌نویسد، ضمن ابراز شایسته ترین احترامات موفقیت روز افزون «خاک وخون» را از خداوند بزرگ خواستارم . بعنوان یک جوان وطن‌پرست حاضرم از هرنوع همکاری باآن روزنامه حقگو ومدافع استقلال وملیت خاک ایران کوتاهی ننمایم.

مطالعه این جریده هرایرانی باشرف راوادار میکند برای استقلال وتمامیت ارضی وطن خود فکر کند وتصمیم بگیرد وبه یاوه‌گوییهائیکه چشم طمع به آب وخاک ما بسته‌اند بگوید مگر فراموش کرده‌اید که ایرانی از هروجب خاک این مرزو بوم تا پای جان نگهداری می‌کند .

آقای همایون امیراحمدی ازتبریز می‌نویسد، اقدام بانتشار روزنامه یکی از اساسی‌ترین قدمهای موثری است درشناساندن آرمانها وایدآلها و ابراز وجود یک حزب و نهضت سیاسی.

امیدوارم که نویسندگان «خاک وخون» درراه خدمت به این خاک واین خون واین نژاد کوه پیکر ابدی موفق باشند. صمیمانه‌ترین تبریکات قلبی‌ام را بپاس این اقدام مدبرانه، دراین دوره که به انتشار یک روزنامه ناسیونالیستی مسئول درمقابل جامعه و وجدان ملی نیاز فراوان احساس میشد تقدیم میدارم. بدون شک قلب همه ناسیونالیستهای نیاخاک بزرگ دراین راه باشما است ،وهرگامی راکه برمیدارید با دقت در نظر دارند وشما باید رهنمون راه سعادتبار زندگی ملتی باشید که گرفتار امواج سهمناک دریای ظلم وستم استعمار خارجی و ایادی داخلی آن شده است.

آقای رحمت‌اله سعیدی دانش‌آموز از زنجان می‌نویسد :

امیدوارم با این هدف‌های مقدسی که در پیش گرفته‌اید کامیاب و موفق باشید . چاپ مطالب آموزنده و ارزنده که دفاع از ملیت ایرانیان اصیل وکردان با شرافت ایرانی را دربردارد موجباتی است که باید ازصمیم دل تبریک گفت .

دوشیزه رخساره نیک‌انجام دانشجوی دانشگاه می‌نویسد،

«خاک وخون» ستاره درخشانی است که بحق درآسمان ایران درخشیدن گرفته است . در طول عمر خود ، هیچ روزنامه‌ای را ندیده‌ام که این چنین پرشور درراهی قدم بردارد که محققا جز به سربلندی و عظمت ایران نخواهد انجامید . این روزنامه بی‌محابا نواقص را گوشزد میکند و برای هرانتقاد خود راه حلی مثبت عرضه می‌نماید طلوع چنین روزنامه‌ای را با همه وجود تبریک میگویم وامیدوارم که بتوانم درراه مقاصد مقدس وافکار بلندپایه مسئولان روزنامه «خاک وخون» قدمی هرچند کوچک باشد بردارم تا وجدان ملی‌ام راضی گردد .

آقای سید مظفر علوی نامه شما رسید ضمن اظهار تشکر از احساسات بی شائبه شما روزنامه به آدرس مورد نظرتان فرستاده خواهد شد .

« آگهی استخدام»

اداره کل هواپیمائی کشوری جهت تکمیل کادر فنی ایستگاه‌های جدیدالتاسیس هوائی درنقاط دورازمرکز استانها وشهرستانها بتعداد ۳ نفر متصدی تاسیسات طبق شرایط ذیل احتیاج دارد .

۱ ـ تابعیت دولت شاهنشاهی ایران
۲ ـ دارا بودن دیپلم کامل متوسط ازهنرستانهای صنعتی داخلی ویا خارجی.
۳ ـ دارابودن گواهی پنجسال سابقه کار دریکی ازرشته های مولد برق ـ تهویه شوفاژ و تعمیرات وسائط نقلیه درموسسات مهم
۴ ـ نداشتن سوء پیشینه و اعتیادات مضره وممنوعه.
۵ ـ دارابودن صحت مزاج وتندرستی کامل به گواهی بهداری کل وزارت راه .
۶ ـ دارابودن دفترچه پایان خدمت زیرپرچم یامعافی دائم غیرپزشکی.
۷ ـ حداقل سن ۲۶ وحداکثر ۴۰ سال
۸ ـ تعهد ادامه خدمت در اداره کل هواپیمائی کشوری (نقاط مذکوره فوق)

تبصره ـ افرادبومی ومحلی واجدشرایط دارای حق تقدم خواهندبود .

واجدین شرایط برای ثبت نام میتوانند بادردست داشتن مدارک زیر

۱ ـ اصل مدرک تحصیلی
۲ ـ عین دفترچه پایان خدمت
۳ ـ کارت معرفی از طرف اداره کل مشاغل وکاریابی وزارت کار
۴ ـ یکبرگ رونوشت شناسنامه
۵ ـ سه قطعه عکس ۴ در ۶
همه روز باستثنای (ایام تعطیل) درساعات اداری منتهی تا آخر وقت اداری روزبیستم آذر ماه سال جاری به اداره کارگزینی کل هواپیمائی کشوری واقع در فرودگاه قدیم مهرآباد مراجعه تامتعاقبا ترتیب شرکت آنان در آزمایشات و رودی داده شود .

اداره کل هواپیمائی کشوری

۶۳۹۹ م الف ۱ـ۲ آ ـ ۱۱۴

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

راه اساسی

معمولا از وجود سرپرست‌ها خبری ندارند ، فقط در بعضی از مواقع بوجود سرپرستی پی میبرند و آنهم هنگامی است که برای گرفتن یك معرفی‌نامه یا گواهی باهزارگونه اشکالتراشی این اداره‌روبرو میشوند ، بطوریکه‌هم‌اکنون عده زیادی باین نتیجه رسیده‌اند که بهترین راه اصلاح سرپرستی‌ها برچیدن آنهااست .

سرپرستی‌ها گاه ازچنان مسائلی بی‌اطلاع هستند که‌موجب حیرت است ، مثلا **چنانکه‌روزنامه‌عصرتبریز بارها نوشته وخاك‌وخون نیز پیرامون آن ببحث پرداخته است ، یکی‌از دانشگاههای کشورترکیه‌برای‌پرداخت‌کمك هزینه‌دانشجویان ایرانی رامجبور بانکارملیت خود میسازد وازآنان گواهی‌رسمی مطالبه میکنند که خود راترك معرفی کنند .** معلوم نیست چند سال است که چنین کار مفتضحی‌درجریان بوده‌است، معذالك ما در این کشور هم‌سفیر داریم وهم کنسولگریهای‌متعدد وهم سرپرستی دانشجویان ومتاسفانه خواب همه‌اینددستگاهها چنان سنگین بوده است که‌از چنین عمل‌زننده‌ای بی خبرمانده‌اند . براستی هم اگر قرار است چنین تشکیلاتی ازحقوق ملی‌وآبروی ملت‌ایران دفاع ننمایندباید باکسانیکه خواستار برچیدن سرپرستی هاهستند همداستان شد .

ممکن است سرپرستی های‌کنونی درخور تعطیل و برچیدن باشند ولی کارسرپرستی‌قابل‌صرف‌نظر کردن نیستوتازمانیکه ماازمحیطهای فرهنگی‌خارج بی‌نیاز نشویم لازم است دانشجویان ماطبق برنامه تحت‌مراقبت و سرپرستی دقیق بتحصیل مشغول باشند . امانکه‌شایان‌توجه‌اینست که علاوه‌برآنکه ما برای توفیق درکار سرپرستی دانشجویان، به سرپرست خوب نیازمندیم بیك‌سازمان مرکزی‌وتدوین اصول‌دقیقی‌برای‌سرپرستی هم احتیاج‌داریم.

عیب عمده‌کار ما اینست ، درحالیکه نظام‌آموزشی نسبت بمسئله سرپرستی وهدایت وبطورکلی‌امر تربیت بی‌اعتقاد است و برای‌آن‌بطورکلی اصول وبرنامه‌ای‌ندارد ، یکمرتبه اعتقادداریم که سرپرست‌های مادرکشورهای‌خارج معجزه‌کنند ودانشجویان‌را هدایت وارشاد نمایند.

برای‌حل‌مسئله سرپرستی بایدابتدادرمرکز وزارت‌آموزش وپرورش، بطوردقیق هدفهای تعلیماتی ، فنی ، اجتماعی ، سیاسی واقتصادی خودرا درمورد استفاده ازدستگاههای فرهنك مغرب زمین مشخص نمائیم وبدانیم که ازدانشگاههای‌کشورهای خارجی چه میخواهیم ونیز بدانیم که دانشجویان‌با چه‌روحیات و با چه عواطف‌وعلائقی باید تربیت‌شوند . وقتی‌این اصول‌روشن شدآنگاه میتوان‌آنرا بعده‌ای تعلیم‌داد وتفهیم‌کرد و سپس ازآنها خواست که بکشورهای خارج بروندوبرطبق‌اصولیکه بدانان تعلیم داده شده‌است دانشجویان‌را هدایت وسرپرستی کنند . وقتی‌شمادرداخل کشور نمیدانید دانشجورا چگونه‌میخواهید بارآورید،چه‌انتظاری دارید که یك سرپرست با دو اطاق کرایه‌ای‌که بآن نام اداره سرپرستی داده است دریك‌کشور خارجی قادرباشد که دانشجویان را از هرجهت و بخصوص از جهت آرمانهای سیاست ملی هدایت نماید

برای آنکه سرپرستهای‌شما واقعا سرپرست باشند، ابتدا باید برای آنها درمرکز ستادی بوجود آورید که همه اطلاعات درباره دانشجویان و محیطهای فرهنك خارجی و نیز تعلیماتی‌که بدان نیازدارند ووسائل و تدارکاتی‌که برای موفقیتشان به آن محتاج‌اند درآن‌جمع ومتمرکز باشد . این ستاد خود باید دارای سیاست مشخصی ازلحاظ هدایت نیروهای انسانی ما درمحیطهای خارج باشد و از چنین ستادی‌شما خواهید توانست سرپرست‌های خودرا هدایت‌کنید تا آنها نیزبنوبه خود بتوانند دانشجویان‌را هدایت‌کنند . **خلاصه‌آنکه اول شما باید سرپرستهارا سرپرستی کنید تا آنهاهم از شما یادبگیرند و دانشجویان را هدایت و ارشادکنند .**

ما امیدواریم اکنون‌که درصدد اصلاح سرپرستی‌ها هستند باین نکته اساسی توجه‌کنندکه ابتدا باید باصل هدایت، ارشاد و سرپرستی معتقد شویم‌ومغز آنرا درایران بوجودآوریم‌تا بتوانیم از این‌مرکز سرپرستها و دانشجویان را اداره‌کنیم .

دوگل و سارتر

گزارفلسفه اگزیستانسیالیسم‌درفرانسه برای‌خود منطقی‌بس‌عجیب دارد . گفته‌است رای دادن به‌میتران بمعنای موافقت‌با او نیست بلکه‌برای‌آنست که مانع ازپیروزی‌دیکتاتوری‌فردی‌گردیم‌ومنظور اوازدیکتاتور کسی‌جزژنرال‌دوگل‌نیست.

اینحاست که با اندوه فراوان درمییابیم **چراژنرال دوگل کارخودرا وجنك‌مقدس‌خویش‌را پایان‌یافته نمیداند ودر۷۵ سالگی که‌سالهای استراحت وتفکر مردانی چون او میباشد اینچنین سرسختانه مبارزه میکندودلیرانه‌میجنگد.**

انگیزه این‌سرباز پیردرنبرد بزرگی که‌آغازکرده است خطری‌است که‌ازسوی صاحبان مکتب اندیوید وآلیسم‌ووابستگان آنان‌احساس می‌کند که یکی از تظاهرات این اندیشه بصورت (اگزیستانسیالیسم فرانسوی) بروزکرده‌است- دوگل‌باژرف‌بینی ودرست‌اندیشی‌ویژه‌خود خوب دریافته‌است علت‌شکست‌مات‌فرانسه درجنك‌دوم وسالهای بعدازآن چه‌بوده‌است‌واکنون برای‌ازمیان بردن این‌عامل‌فساد و انحطاط فکری فرانسویان‌مبارزه می‌کند. همگان میدانند ومیگویند که فرانسوی میهن‌پرست‌است‌ولی‌دوگل میداندکه تنها میهن‌پرست‌بودن‌کافی‌نیست ، بایدبه‌آن موجودیتی که‌درماحس‌میهن‌پرستی‌را بوجودآورده‌است اندیشید ودرپی‌رونق بخشیدن به‌آن اندیشه‌ای بود که میهن‌پرستی یکی از جلوه های پرشکوه‌آن اندیشه‌است واین‌اندیشه‌چیزی جز ناسیونالیسم یعنی احساس واعتقاد به‌وجود ملت‌بعنوان‌اصل‌اصیل واساسی رویداد- های اجتماع وسازنده تاریخ ملتهاوجهان‌نمیباشد.

امروز، روز انتخابات ریاست جمهوری فرانسه‌است-مردم فرانسه امروز باین پرسش پاسخ خواهند گفت که ناسیونالیسم دوگل‌را می‌پذیرندیا اگزیستانسیالیسم‌سارتررا ومعلوم‌خواهندکرد که‌آیا تعلیمات دوگل‌توانسته‌است زهراندیشه اندیویدوآلیسم‌را از مخیله فرانسویان بزداید‌وجرثومه این‌فساد وانحطاط‌فکری‌آدمیان راکه ازسالهای‌پیش‌ازانقلاب درمغزهای مردم فرانسه لانه کرده است بیرون براندیانه.

حقیقت اندیشه

خونبارتجاوزات استعمارگران‌بخوبی‌آشکاراست‌وهرگاه‌درمواردی بسیار قبل از آنکه سپاهیان اشغالگر قدرت های استعماری سر زمین‌های بسیاررا بتصرف خود درآورند. کمپانیهای وابسته به قدرتهای استعماری راه را برای‌نفوذ و سپس تسلط قوای‌اشغالگر بازمیکردند - در تاریخ استعمارنوین دوشادوش نفوذ استعماری و تسلط واستیلای قدرتهای استعمارگر وجود و کوشش احزاب و سازمانهای وابسته باستعمارگران دیده میشود..

نقش مخرب نفوذی راکه در دوران استعارکهنه کمپانیها وهیئت‌های تجاری و میسیون‌های مذهبی‌بعهده داشتند دراستعمار نوین احزاب و روزنامه‌ها و سازمانهای وابسته باستعمارگران بعهده‌گرفته‌اند . و این‌بزرگترین‌فریب و اندوهبارترین‌فاجعه‌ای بود که قدرتهای استعماری بزندگی ملت های استعمار شده تحمیل نمودند .

استعمارگران بااین تمهید جنك و تهاجم عظیم تبلیغاتی خودرا داخل صفوف ملتها کشانیدند -بخصوص که کوشندگان تبلیغاتی استعمارگران افراد وعناصری بودند وهستند از میان مردم استعمار شده - برخی‌ازآنان که‌سردمداران وگردانندگانند خودآگاهانه درتار وپود این توطئه‌های استعماری قرارگرفته‌اند وگروه بسیار دیگر همان قشرهای‌گوناگون اجتماع میباشندکه بسائقه تحول‌طلبی ورهائی ازفساد و تباهی‌که جامعه آنان دست بگریبان آن‌است دراین‌تاروپود تبلیغاتی ونفوذ فکری وسیاسی گرفتار میشوند.

بدین مناسبت نقش احزاب وسازمانها ومطبوعات وابسته بقدرت‌های استعماری درگسترش نفوذ استعمارگران و تبدیل استعمارکهنه‌باستعمارنوین‌ودرنتیجه‌ابقای‌نفوذوسلطه‌استعمارگران درمناطق وکشورهای‌استعمارشده‌حائز توجه‌بسیار میباشد.

همچنانکه قدرتهای استعمارگر در زمینه رقابت جهانی خودبایکدیگررقابت‌وکشمکش‌بسیاردارند و همچنانکه تبلیغات دستگاههای‌وسیع‌وعظیم‌تبلیغاتی‌آنان‌هر یك‌میکوشدکه‌خودرا یار و غمخوار همان مردم غارت‌شده‌ای‌معرفی‌کند که‌سالهای‌بسیار است اسیر زنجیر های اسارت اقتصادی وسیاسی‌آنان میباشند .

سازمانها واحزاب ومطبوعات وابسته به قطب های مختلف استعماری که درکشور های استعمار شده ویا دیگرکشورها که‌بهر حال حقوقی از آنان مورد غارت وچپاول قرارگرفته است ویا از هدفهای‌آتی استعمارگران میباشند ، بصورت عوامل وسازمانهاو احزاب رقیب برابر یکدیگر قرار میگیرند ودرحالیکه زنجیر های‌اسارت‌فکری‌وسیاسی رادردست‌های خوددارندتا بردست وپای مردم به پیچند، خودرا یار غمخوارآنان وقطب استعمارگری را که بدان وابسته‌اند تنها ملجاء امید بخش مردم معرفی میکنند .

متاسفانه فصول بسیاری ازتاریخ مبارزات احزاب سیاسی کشور های استعمار شده ، عبارت است از مبارزه همین قدرتهای استعمارگرکه هریك تمایلات وهدفهای خود را در لباس حزبی وابسته بخوددنبال‌مینایند وباتکیه‌بروسائل عظیم مادی وتبلیغاتی وباحمایت آشکاروغیرآشکار ازعوامل‌وابسته بخود بازارمبارزات چنین سازمانها واحزاب وعوامل استعماری راگرمی و حرارت می‌بخشند .

تاکنون دراین بررسی اجمالی باین اصل‌آگاه گردیده‌ایم که قدرت های استعمارگر ودرنتیجه روش های‌گوناگون‌استعمار نوین هرچند با یکدیگر اختلافات‌ورقابت ها و در نتیجه تعارض منافع دارند - امادریك‌مورد همه باهم هم‌آهنگند وازیك اصل پیروی میکنند وآن نیز عبارت است ازاینکه ، **نگذارند ناسیونالیسم ملتهاگسترش یابد وپیروزگردد.**

مبارزه باناسیونالیسم وکوشش برای جلوگیری ازایجادهر جنبش اصیل ملی هدف مشترکی است که نیروهای استعمارگر در میدان کوششهای خود بدان توجه دارندوازآن پیروی میکنند- این‌اصل درموردفعالیت‌های عوامل‌وابسته به‌آنان که‌درداخل‌کشور های‌استعمارشده بوجود آمده ودرحال‌کوشش وگسترش هستند نیز مشهوداست.

احزاب وسازمانها ومطبوعات‌وابسته به قطب‌های‌استعماری درعین رقابت ومبارزه وکشمکشی که بایکدیگردارند دراین امر اتفاق نظردارندکه باآرمانهای ناسیونالیستی بستیزند واز ایجاد هرگونه‌رستاخیزاصیلی که‌مبتنی‌برآئین‌ناسیونالیسم‌باشدممانعت‌کنند.

بنابراین برابرناسیونالیسم هرملت که همان‌آئین‌آزادگی وفراهم ساختن زندگی‌مستقل ملی است‌همه ابزاروعوامل تبلیغاتی استعمارگران جبهه واحد وصف هم‌آهنگی بوجود میآورند .

اغلب کاربدانجامیکشدکه نوعی ازهم آهنگی و همکاری آشکاروغیرآشکارمیان‌عوامل هیئت حاکمه وصفوف بظاهرمخالف هیئت حاکمه برای تهاجم برصف ناسیونالیسم بوجودمیآید.

کاپ خلیج فارس

خون باعث شده است که نسل‌جوان وکوشنده خرمشهر «خاك» وخون‌را مظهر افکار وآرمانهای خود بدانندودر راه ناسیونالیسم ملت ایران با مقاصد«خاك‌وخون» هم آهنگ گردند .

بدنبال استقبال بی نظیر جوانان‌خرمشهر نمایندگی خاك وخون درنظرگرفته است برای تشویق جوانان ورزشکار آن شهرستان مسابقه فوتبالی در بین تیم های آن شهر برگزار نموده وبرای‌تیم‌قهرمان‌خرمشهرجائزه- ای بنام‌کاپ خلیج فارس درنظر گرفته است‌اینك‌متن‌نامه‌نماینده روزنامه خاك و خون برئیس فدراسیون فوتبال خرمشهر،

«ریاست محترم فدراسیون فوتبال شهرستان خرمشهر.

محترما نمایندگی روزنامه «خاك وخون»درخرمشهردر نظر دارد ازنظرپیشرفت ورزش‌فوتبال وتشویق‌بیشتر‌ورزشکاران‌خرمشهر یکدوره مسابقات فوتبال زیرنظر آن‌فدراسیون ترتیب‌دهد.

بدین منظور کاپی‌بنام«کاپ خلیج فارس» به تیم‌برنده اهداء خواهدشد. ضمنا‌دودست‌لباس‌فوتبال برای تیم‌های اول ودوم این مسابقات‌درنظرگرفته شده‌است.

خواهشمنداست موافقت آن فدراسیون‌محترم را اعلام‌تاترتیب انجام‌این‌مسابقات زیرنظرمستقیم فدراسیون محترم داده شود ».

نماینده روزنامه خاك وخون در خرمشهر **مجیدسالمی.**

کاریده نمایندگی روزنامه خاك وخون باهمکاری‌فدراسیون فوتبال انجام می‌دهد کاری است شایسته‌ودرخور تحسین بسیار. گامی‌که فدراسیون فوتبال برای انجام مسابقات«کاپ‌خلیج‌فارس» برمیدارد مورد پشتیبانی وتایید همه آرمانخواهان‌آن‌سامان‌می‌باشد که ورزش ونیرومندی رابخاطر پاسداری‌آب‌هاوساحلهای‌ایرانزمین ازگزند دشمنان تاریخی ونژادی دوست‌دارند وبدان‌ارج بسیارمی نهند.

بقیه تفسیر سیاسی

خودداری‌کنند . همانگونه‌که ما پیش‌بینی‌کرده بودیم دولت انگلیس‌حاضرنشد علیه‌همنژادان خودوانگلیسیان مهاجر رودزیا اقدامی موثرکند واین موضوع برکشور های افریقائی اثبات گردید ، اکنون این‌کشورها‌که هریك زمانهای طولانی تحمل تازیانه استعماررا نموده‌وخاطره شکنجه‌های‌استعمارگران‌اروپائی راهنوز ازیاد نبرده‌اند بخوبی درمییابندکه **درین‌جهان بزرك و روزگار پرآشوب هرگز- قدرتهای بزرك‌جهان‌که برسر- استعمار نوین ملتهای عقب مانده بایکدیگررقابت میکنند حاضر نخواهند شد باآنان همکاری و همراهی نمایند.**

ازاینروست که سی وشش‌کشور افریقائی‌با اتکاء برنیروهای ملی خود برای‌رهائی ٤ میلیون همنژادان تیره‌روز رودزیائی بپاخاسته‌اند واین همان احساس واستنتاجی است که ۱۰ سال پیش کنفرانس باندونك را بوجود آورد وهمان روحیه و طرز تفکری است که‌کشورهای آزاد شده جهان را بیکدیگر نزدیك میسازدو**زشتر، این همان ناسیونالیسم‌ملتهای بیدارشده افریقاست‌که جلوه تابناك خودرا برجهانیان‌می‌نمایاند و قدرت‌خود رادر زمینه های بین‌المللی آشکارمیسازد.**

آنچه که مسلم‌است انگلیس دربرابراین تهدیدات بازهم دست اندرتاروپود سر در گم اقدامات دیپلماسی خاص خودرا خواهد زد وحاضرنخواهد شدبطورقاطع‌علیه حکومت یان اسمیت عملی انجام دهد زیرا درمنطق انگلیس‌یان- اسمیت ازآن‌نظرکه ٤ میلیون‌سیاه پوست را دربدترین شرایط‌زندگی درتحت شکنجه قرار داده است گناهی مجسوب نمیشود ، بلکه گناه یان‌اسمیت تنهادر آنست که ظاهرا بامقاصد انگلیس‌مخالفت ورزیده ،گرچه معلوم نیست در پشت این نقاب مخالفت چهره حقیقی انگلیس‌نسبت بیان‌اسمیت حالتی بسیار موافق ومهربان و همراه و همگام نداشته باشد . چنانکه دولت ویلسون حالا که‌بر اثرفشارزامبیاکشور همسایه وهم مرزرودزیا حاضرشده است‌تعداد بسیارکمی ازنیروهای هوائی‌خود رابه‌کشورزامبیا بفرستد بکرات اعلام‌کرده‌است که این‌نیروها بخاك رودزیا وارد نخواهند شدو باسربازان‌رودزیا مبارزه‌نخواهند کرد وزیرامور کشورهای‌مشترك- المنافع انگلیس که پس ازپایان گفتگوهای خود بارهبران‌دولت زامبیا این‌کشور را ترك‌گفت اظهار داشت «که اگر نیروهای انگلیس برای محافظت از سد کاریبا واردرودزیا بشوند نیرو- های‌رودزیائی‌ازخودمقاومت‌نشان خواهند داد ودراین صورت‌وقوع جنك حتمی خواهد بود **در حالیکه انگلیس نسبت به این‌اقدام بی‌علاقه‌است.»**

این‌گفتار بخوبی ماهیت اندیشه ومنطق دولت انگلیس را درمورد رودزیا آشکار میسازد، پس کشور- های افریقائی چاره‌ای‌ندارند جز اینکه خودبتنهائی وباپشتبانی همنژدان‌خویش برای‌برانداختن اساس استعمار از قاره سیاه بپا خیزند ومردانه درین راه پیکار کنند .

اگرروزی یکی ازدولتهای استعمارگر حاضر شود همگام با ناسیونالیسم این ملتهاعلیه‌استعمار کشوری دیگر بجنگد بدون شك خود دارای مقاصد خاص و در پی هدفهای استعماری خاصی میباشد ، همه‌کشور های‌افریقائی ودیگر ملتهای‌آسیائی وافریقائی باید برای مبارزه با استعماربه نیروهای خود اتکاء داشته‌باشند ودرین راه هرگونه انتظاری از استعمارگران بیهوده‌ونارواست

صد گونه تماشا

* خاك هامون برفشانده تا بچرخ
خود چوبرق جسته، ازمعبرگذشت ...
کف‌بلب ، تن درعرق ، در هرنفس
چون‌خیال ازدشت پهناور گذشت

***

*اسب تازان دربیابان و سوار
در سرش ، اندیشه دلبرگذشت
داغ شلاق شتاب بی‌شکیب
برکفل چون دشنه آذرگذشت

***

بازاسب خسته درراه‌سیاه
تیزچونان ضربت خنجرگذشت
دردل یکه سوار شب نورد
شوق وصل یارگل پیکرگذشت

***

* درکنارتك‌درختی اسب‌ماند
آشنا برآشنا ، آخرگذشت
بازشد بازوئی وبوسی شکفت
لخت دیگرآب وصل ازسرگذشت .

***

*کف بلب ، تن درعرق ، بسته‌نفس
اسب‌خسته ، اوفتاد و درگذشت!

صحنه‌دوم آوای‌شاعر!

گاهی بنام ادبیات ! بنام شعر وهنر ! چه هذیانهای غریب و عجیبی بخوردمردم میدهند- راستی چرا درمملکتی‌که امثال محمد زهری آنچنان مسلط برتوسن‌سخن قرار میگیرند و اثری بدیع و دل‌انگیزومحکم چون « **اسب وسوار** » میآفرینند کسانی چون آقای محمود ... بخود اجازه میدهد تا قطعه‌آوای شاعر !؟ را قلمی فرماید !؟ اکنون بشنوید ازآوای شاعر ... بدنیست ، قطعه‌ای است فکاهی‌که نویسنده آن را بعنوان نوشته‌ای بسیار جدی وباصطلاح احساساتی قالب‌کرده است ... اکنون‌آوای شاعر:

هرلحظه دراعماق قلبم‌کشت میکند . ومن‌برزیگری‌هستم‌که‌بوته‌هاراگردآورده‌وبگرسنگان می‌دهم (جل‌الخالق)!

روح - این‌مژگان‌را زنده دارد ومن خوشه‌هایش را فشرده و تشنگان را سیرآب می‌کنم (آفرین برتو)

آسمان‌این چراغ را پرازروغن میکند و من‌آنرا روشن‌کرده در پنجره‌ی اطاقم‌میگذارم برای آنهائیکه درظلمت شب راه میروند !؟

صحنه‌سوم تماشاچی ساده !

بیست‌سال از محاکمه‌نورمبرك میگذرد - در این‌دادگاه که‌گروهی از سران‌آلمان ناسیونال سوسیالیست محکوم باعدام وگروهی محکوم به حبس‌های طولانی شدند روزنامه اطلاعات بمناسبت بیستمین سال پس از این محاکمه شرحی نوشته بود که نتیجه این بررسی را در چند جمله بعنوان چکیده بحث تنظیم نموده‌که خالی از لطف ونتیجه نیست و اکنون شمارا به تماشای آن میبریم ،

***

بدین ترتیب جنایتکاران جنك‌دوم به‌کیفر رسیدند در حالیکه امروز بیست سال پس از نورمبرك درروودزیا ، آنگولا ، موزامبیك ، افریقای‌جنوبی وبسیاری دیگرازکشورهاجنایاتی‌شدیدتر ازآنچه متهمین نورمبرك انجام دادند صورت میگیرد وفرشته عدالت بصورت تماشاچی ساده‌ای درآمده است!.

صحنه چهارم! مردم‌بدهکار شدند

یکی ازمشکلات مردم وضع‌اتوبوسرانی شهرتهران است ، اغلب صف‌های بسیار طولانی ازمردم درزیرآفتاب سوزان تابستان‌وسرمای سخت‌زمستان‌ازمناظر ثابت وهمیشگی خیابانهای تهران‌است ، این مردم قانع‌وبردبار! تنهابااین دلخوشند که مسئولین امرحداقل آنان‌را ازاین‌یورش گرماوسرما نجات دهند- امامعلوم‌نیست چرا مسئولین ومتصدیان امور بهنگام قیاس زندگی مابازندگی‌ملتهای‌ازمابهتران فقط اشکالات‌فرضی آنهارا برخ مامیکشند وبااین وسیله ازخودسلب‌هرگونه مسئولیتی رامینمایند - اکنون خوانندگان عزیز را بتماشای خلاصه مطالب‌بسیارمفصل ومطول مدیرعامل شرکت واحداتوبوسرانی میبریم- اما چون‌وقت خوانندگان ضیق‌است واغلب حوصله وفرصت مطالعه این مطالب مبسوط را نخواهندداشت خلاصه اظهارات ایشان‌را به نقل‌ازروزنامه اطلاعات به تماشای خوانندگان میگذاریم‌تادریابندایشان هستندکه بدهکارند نه متصدیان و مسئولین شرکت‌واحداتوبوسرانی وبروندوشکرخدای‌بجاآورندکه ازچنین رفاهیتی برخوردارند! اینك خلاصه اظهارات مفصل‌مدیرعامل شرکت‌واحد اتوبوسرانی:

● نرخ بلیط‌اتوبوس نسبت به‌سایراحتیاجات عمومی وطول مسیرخطوط ناچیزاست (لابد بایدگران‌شود)؟!

● مردم وقت خودرا باید باوضع اتوبوسرانی شهر مثل همه‌جای دنیا تطبیق دهند (مردم چراقدر نمیدانید؟)

● اضافه سوارکردن اتوبوسها درهمه‌جای دنیا رایج است

* افزایش تعداد سرپناهها به زیبائی‌شهر لطمه‌میزند (سرپناه‌هاراخراب‌کنید !)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

خاک و خون

یکشنبه ـ سه‌شنبه ـ پنج شنبه
دارنده امتیاز و مدیر محسن پزشکپور
سر دبیر دکتر فضل‌اله صدر
یکشنبه چهاردهم آذرماه ۱۳۴۴

محل اداره میدان بهارستان تلفن ـ ۳۲۱۸۹
بهای آگهی : صفحه اول سطری ۵۰ ریال صفحه آخر سطری ۴۰ ریال صفحات داخل سطری ۳۰ ریال
چاپخانه مهر ایران تلفن ۳۹۱۳۶ تك شماره ۳ ریال

بقیه سرمقاله

چرا نوآموز ، چرا دانش‌آموز و بالاخره چرا دانشجو نباید مصالح ملت‌خود رادریابند ؟ چرا به‌سیاست ملت خویش که راه زندگی وآزادگی وحصول‌به استقلال وبزرگی هرملت‌میباشد آگاهی نیابند؟

اشکال‌دراین است‌که **اغلب مسئولان امور، ناتوانی‌ها وعدم‌شایستگی خودرا درزیرپوششی ازمصلحت‌سنجی ورعایت مصالح‌عمومی پنهان‌میکنند.**

چون موجودیت ملت خودرانمیشناسند ـ چون نیازهای ملت خود ودرنتیجه‌سیاست‌ملی‌خویش رادرنمیابندـ‌چون‌نمیتوانند وظیفه‌اساسی خودراکه عبارت‌است‌ازآشناساختن جوانان به‌سیاست ملی و آرمانهای‌تاریخی» و«اجتماعی‌این ملت ایفاکنند، بنابراین بنام **«مصلحت سنجی» و«مصالح‌عمومی»** اجتماعی‌بودن‌واجتماعی اندیشیدن‌را بطورکلی‌محکوم میکنند.

چنین‌روش نادرست‌وسیاست‌زیان‌بخشی‌است که‌همه‌پیوندهای نسل جوان را با پیکره اجتماعی وکوششهائی‌که دراین زمینه صورت میگیرد میگسلد .

بنظرمامسئولیت مستقیم ایجاد این مشکل بزرك و اساسی متوجه سازمانهای‌آموزشی و بخصوص اداره کنندگان دانشگاههای ایران میباشد.

مادرهمین اجتماع کنونی خودنمونه هائی داریم‌که برای جوانان موقعیت لازم رادرنظر گرفته‌اند ـ برنامه‌هائی رامیتوانیم ارائه دهیم‌که اساس ومحورآن برکوشش‌ونیروی‌نسل جوان‌اتکاء دارد وجوانانی‌که درپهنه اجرای این‌طرح‌هاهستند اکنون‌نمودارهای‌افتخارآمیزازکوشش خودرا بمنصه ظهوررسانیده اند.

مگر«سپاه دانش» اکنون‌نموداری ازاین کوشش‌عظیم و ثمربخش و«احساس جوانان ایرانزمین نمیباشد ..؟

چرا .. برای‌آنکه‌آن سپاهی‌دانش می‌بیندکه باواطمینان کرده‌اند ـ باومسئولیت داده‌اندـ باوبعنوان سازنده ورهبرواحد کوچکی ازپیکره‌بزرك ملت‌اختیاروقدرت داده‌اند ـ اوبدورترین نقاط میهن خود میرود، درحالیکه‌میداند ازاوخواسته‌اندکه نقش سازنده ورهبری‌کننده خودرا ایفاکند.

اکنون کانونهای آکادمیك وبالاخره **دانشگاههای‌میهن‌ما فاقداین استعداد خلاق‌وسازنده وپیونددهنده‌میان نسل جوان وسازمانهای‌اجتماعی‌ماهستند.**

برای حل مشکل جوانان باید باین نقیصه دانشگاههای ایران‌واین‌نقیصه‌اداره‌کنندگان وگردانندگان‌آن‌توجه‌داشت‌ـ‌هم‌در این‌راه است‌که دانشگاه آریامهربایدگامهای ارشادکننده رابرـ دارد وبااتکاء برناسیونالیسم‌ایران، جوانان‌ایرانزمین‌را بصورت عناصری خلاق وسازنده برای‌آینده پرافتخاراین سرزمین پرورش دهد واین‌آن‌دگرگونی اساسی است‌که باید دانشگاههای ایران‌و دیگرمحیط های‌آموزشی را دربرگیرد.

دراین باره‌است‌که بازسخنانی دیگربمیان‌خواهیم‌آورد.

محسن ـ پزشکپور

چرا مسئولین

خوشبختانه اکنون دکتر شیخ‌الاسلام رئیس‌دانشگاه‌نیست وسرنوشت سه‌هزاردانشجوبستگی بسلیقه‌وتصمیمات ایشان ندارد. و انشاالله‌مقامات انتظامی‌وقضائی همت خواهند کرد تالااقل حق دولت‌را وصول‌کنند، بهرحال این مسئله ازنظرشخص پرفسوردکتر سابق ویاتعقیب‌جزائی او مورد بحث مانیست بلکه دراین‌بحث میخواهیم بیك مسئله بزرك اجتماعی توجه‌کنیم وعلل آنرا بررسی‌نمائیم .

این پرفسور دکتر که امروز معلوم شده است مبلغ‌کثیری از حق دولت را بالاکشیده تادوماه‌پیش چنان هاله‌ای از توهمات پیرامون‌خودبوجودآورده بودکه‌نه‌تنها خودش‌خیال میکرد دارای‌حق‌مصونیت ونقاب عصمت‌میباشد بلکه بعده بیشماری‌هم‌این‌توهم را سرایت داده‌بود و آنها هم خیال‌میکردندکه‌دراطراف این بت بزرك هیچگونه بحثی‌جایزنیست .

پرفسور دکتررا چنان‌بابو برداشته بودکه وقتی درمجلس درباره کار اوسئوال‌کردندبدون اینکه صلاحیتی داشته باشد و بدون اینکه فکر کند که جواب مجلس را وزیربایدبدهد ، در روزنامه‌هااعلامیه دادکه‌هیچکس حق دخالت درامور دانشگاه‌مارا ندارد .

اطرافیان ومردم‌معمولی‌هم چ.ار مرعوب شده‌بودندکه همه نصیحت میکردند که کار بکار او نداشته باشیدوحتی وقتی ما برای‌روشن‌شدن خوانندگان‌خود سئوالهائی رامطرح‌ساختیم‌آنجناب نه تنها درصدد پاسخ برنیامد بلکه بعنوان آنکه نوشته ما میتواندسبب تحریك دانشجویان گردد بمقامات انتظامی متوسل گشته‌بود.

درحقیقت پرفسور دکتر پیش‌خودش‌خیال میکرد که‌وجود او چنان ممتاز وبدون جانشین شناخته شده است که‌امام قوای مسلح کشوررا در اختیارش خواهند گذاشت و هرکس را بگویددیپلم پرفسوردکتربگواهی کدام مقام رسیده‌است فورابچهار میخ خواهند کشید. که چه خبر است؟

پرفسوردکترمیخواهدرئیس دانشگاه ملی‌باشد . حوادث‌بعدی نشان داد هیچ این خبرها نیست هرکس درهرمقامی هست‌تاروزی که خدمت میکند احترام دارد وازروزیکه بخواهدسوء استفاده کند بحسابش‌خواهند رسید. تنها عاملی‌که‌مدتهاپرفسور دکترآنرا سپربلاقرارداده بود ایجاد همین توهم بودکه خوداوودیگران‌خیال میکردندکه او مصونیت دارد و نباید خطایش راآشکارکرد.اگر چنین تصوری درکار نبود همان ماه اول‌که پرفسوردکتر مالیات مردم‌را ازحقوق آنهاکم کردودولی بدولت‌نپرداخت، همان‌حسابدار که این مسئله را متوجه شده‌بود صدایش درمیآمد که آقاشما حق دولت رانداده‌اید ولی‌اینکار را نکرد برای اینکه ترسید ـ ترسید زیرا دچارهمان توهم شده بود . درعرض دوسال که آقامرتبا حق دولت را نمیپرداخت قطعا عده‌زیادی‌وازجمله‌مقامات‌مربوطه وزارت‌دارائی ازاین‌تخلف‌باخبر بوده‌اند ولی‌آنها هم هیچ‌نگفتند زیرا آنها هم‌بهمین توهم دچار بودند.درنتیجه بجای‌آنکه‌مالیات یك‌ماه یاچند ماه استادان‌ازکیسه دولت برود بعلت همین‌سکوتها، ترسها وتوهمات اکنون متجاوز، ازدومیلیون تومان‌حق‌دولت‌پایمال شده‌است.

بعقیده مااین توهم واین ترس بی‌جا، نقش بسیارمهمی‌رادر فساددستگاه‌های‌اداری‌بازی میکند. هرکس‌رئیس‌میشود فورا سعی میکنداین هاله توهم راپیرامون‌خودایجاد کند. خدانکند‌که‌کسی‌مثل‌پرفسور دکتر چند دانشجویاچندکارگر هم‌جزء ابواب جمعی خود داشته باشد، زیراچنین‌کسی هرامری‌را که خلاف سلیقه خودتشخیص‌دهد فورا مرتبط بامسائل‌امنیتی‌کشور میکند ودرنتیجه دیگران‌رامرعوب وواداربسکوت دائمی‌میسازد ودر این سکوت‌خطرناك‌است که‌جرائم برروی‌هم انباشته میشود اگر مردم بدانند ومطمئن باشند که مبارزه بافساد یك امرجدی است وهیچکس مجازبانحراف وخیانت وتصرف ناحق در اموال عمومی نیست هرکس بموردی از تخلف **برخوردکند فورا آنرا بازگو میکند ودرنتیجه‌خطاهادرهمان آغاز آشکار میشود و خطاکار بمجازات میرسد ولی** بدبختانه بمردم تلقین‌شده است که‌مبارزه بافساد فقط یك‌کارتبلیغاتی است وعمقی ندارد وعده‌ای‌هم که‌برسر کارند بایدخلاف کنند واگر هم کسی برخلاف میل وسلیقه‌آنها سخنی بگوید مجازات وعقوبت خواهد دید . این‌روحیه سبب میشود که همه‌نادرستیها وخطاها در استتار بماند وروزی آشکار شود که دیگر بسیاردیرشده است حال باید پرسید که آیا پرفسور دکتر آخرین مردی بود که از این توهم بی‌جاسوءاستفاده‌میکردواین تنها موردی‌بودکه‌آنهاکه‌میدانند براثر توهم سکوت کرده‌اندوآیا بالاخره زمان آن‌نرسیده‌است‌که همه‌بخاطر مصالح این ملت‌سترك ترس راکنار بگذارند وخطا و خیانت رادراولین مرحله‌ای‌که پی میبرند آشکار سازند .

چلیک اخبار ایران

● بدعوت شاهنشاه آریا مهر روز چهارشنبه این هفته اعلیحضرت پادشاه عربستان سعودی برای یك بازدید رسمی‌وارد ایران خواهند شد .

● مانوربزرك سازمان دفاع غیرنظامی دیروزپیش‌ازظهر برگزار شد .

● مجلس سنا دیروز جلسه علنی داشت .

● دیروز صبح‌کمیسیون نفت سازمان همکاری عمران منطقه ای با شرکت نمایندگان ایران ـ پاکستان و ترکیه تشکیل شد .

● دیروز دهمین جلسه دادگاه تجدید نظر برای‌رسیدگی به پرونده متهمین حادثه‌کاخ مرمر در محل اداره دادرسی ارتش با حضور خبرنگاران خارجی وداخلی تشکیل شد.

● دوره نمایشگاه‌کالای ایران که سی وهفت روز برای بازدید مردم باز بود ودو بار نیز تمدید شده بود پایان‌یافت.

● کنفرانس مرزی ایران وعراق برای مبارزه مشترك‌با بیماری مالاریا که در بغداد تشکیل شده بود بکار خود پایان داد .

مردم از صنعت نفت

بودتعیین گردیده است نشان میدهد که مردم میهن ما به کوششهای‌گذشته خود‌ـ‌به‌آرمانها وآرزوهای‌بلندپایه خوددلبستگی بسیاردارندو بخصوص‌برای‌شرکت ملی‌نفت ایران‌که ثمره‌رستاخیز عظیم‌ملی شدن نفت در سراسر ایران میباشد امیدهای بسیار بسته‌اند .

رقم نزدیك به‌یك میلیون نفر بازدید کننده‌از نمایشگاه صنایع‌نفت‌ایران برای‌ماافتخارـ آمیزاست ، زیرا حاکی‌از رشد بسیار سیاسی واقتصادی افکار و اندیشه های مردم این سر زمین میباشد ـ مردمی‌که بیش‌از یك قرن برای تخدیر اعصاب آنها کوشش شده است ،بیش‌ازیك‌قرن باکوششهای تبلیغاتی وسیع، با آموزشهای نادرست خواسته اند مردم ایـن سرزمیـن را ازآنچه دارند واز آنچه میتوانند داشته باشند غافل نگهدارندـ اکنون این مردم بدینسان باشوروهیجان بسیار به بازدید ازنمایشگاه صنایع‌ایران وبخصوص به‌بازدید از نمایشگاه صنعت‌نفت ایران‌اقبال‌نموده‌اند. تعدادهشتصدهزار بازدیدکننده ازنمایشگاه صنعت‌نفت ایران ، امیدوارکننده‌است ، زیرا نشان میدهد که مردم‌این‌سرزمین به تاثیر شگرف نفت در زندگی خود و باهمیت اساسی سیاست نفتی ملی‌خویش‌آگاه هستند ـ آنان میدانند،

همانگونه که زمانی سیاست‌نفت‌مارادرزنجیرـ های اسارت اقتصادی و سیاسی فروبست و مراکز قدرت وزندگی مارادرهم کوفت ، باید دگرباره ملت ایران بااتکاء براین ثروت بیکران خداداد و بااتکاء برمنابع وصنایع عظیم نفت پایگاههای اساسی برای‌اجرای‌سیاست ملی‌خویش‌بطورکاملی‌فراهم سازد .

نمایشگاه‌صنعت‌نفت ایران وبازدید بیش‌ازهشتصدوبیست و سه‌هزار نفر ازاین نمایشگاه هم نشانه کوشش درخور ستایش مسئولان امروهم نشانه‌رشدبسیار ودلبستگی‌شایان توجه‌مردم‌میهن مابه‌صنعت‌نفت‌ایران‌میباشد .

طعمه جدید

هرچه ناصر پایگاه های خودرا درمیان ملت‌مصر ازدست میدهد درعوض‌میکوشدکه‌سیطره اهریمنی‌ورژیم‌سیاه خودرابرهمه مصرمسلط سازد.

از دیر باز ناصر درصدد برآمدکه عنان و زمام مطبوعات مصر را در اختیار خودگیرد و مطبوعات را وسیله انعکاس اندیشه های تجاوز طلبانه و بلندگوی تبلیغات پوچ و واهی خود و باژگونه‌کردن حقاق نماید .

دراین میان لازم‌بودکه همه آن‌کسانی‌راکه‌درمیان ملت مصر پایگاههای اجتماعی‌محکم دارند ازصحنه مبارزه بدور سازد ودر این‌راه بدان حد پیش رفت‌که امروزه انبوه مخالفان وی‌که هزاران هزارمی‌باشنددرزندانها وسیاه چالهابسرمی‌برند .

و از آنجاکه مهارکردن مطبوعات ودر واقع مصادره‌آنها مورد پسند ملت‌مصر نبود،اقدام ناصر برای مصادره مطبوعات و خفه ساختن صدای‌مردم‌ستمدیده مصرباعکس‌العمل‌شدیدنویسندگان مطبوعات‌آن کشور روبروشد .

یکی ازجمله‌کسانیکه‌دربرابر این تصمیم ضدملی‌ناصرایستادگی کرد**مصطفی‌امین** صاحب‌وسردبیر مؤسسه اخبارالیوم و ناشرمجله **اخبارالیوم** و روزنامه **الاخبار** بودکه‌بااین‌عمل‌ناصراعتراض‌کرد وحاضرنشدکه‌خفه‌ساختن‌مطبوعات ومصادره آنهارا**آزادی‌مطبوعات** قلمدادکند. این کاری بود که بمذاق دژخیم‌مصرناخوشایندمی‌ـ نمودوباعث آن‌شد که دستگاه تروروژیم پلیسی ناصرمصطفی‌ـ امین را بظاهربجرم جاسوسی و درباطن بعلت‌میهن‌پرستی‌ومبارزه باخواستهای اهریمنی اوبازداشت وباعدام محکوم‌نماید.

جامعه مطبوعات جهان این عمل ضد انسانی ودژخیمانه ناصر رامحکوم میسازدوازاینکه‌زمامدار لجام‌گسیخته این‌بارطعمه‌خود را از میان مطبوعات انتخاب نموده است انزجارو تنفر خودرا اعلام داشته‌اند.

نیرزد آن خون که نریزد براه پاسداری این خاک

گورستان شهیدان

میگذرد برهمه ما میگذرد .. آنچه‌که برهرتیره نژادی‌وابسته بملت ایران میگذرد ، حقایقی است که برزندگی‌همه‌ما گامهای سنگین خودرا میکوبد ـ پس گوشه‌ای‌ازاین حقایق‌را دریابید واکنون ازخلال سطورنامه هم‌ـ میهن کرد، دریابید که‌برماو بر نژادما چه‌ستم ها روامیدارند .. اکنون‌قسمتی‌ازنامه هم‌میهن کرد؛

چند روز پیش شنیدم که درآن روزنامه‌راجع به کردهای عراق ، این برادران هم نژاد ما، مطالبی‌نوشته‌شده‌است . منهم خواستم بدین وسیله دست شمارا بگیرم وشمارا بشهری ببرم که روزگاری از زیباترین شهرهای کردستان عراق بود .

این‌شهرزیباوقشنك‌سلیمانیه است . مردم زنده وروح آزاده مردم این شهر همیشه ورد زبانهابوده‌است . ولی امروز... چیزی‌جز دهشت‌دیده نمیشود . هنوزآفتاب‌غروب‌نکرده خیابانهای شهرخلوت‌میشود . گاهی‌صدای‌چند تیرسکوت شب‌رامیشکندوسرانجام این چندتیربزندگی‌عده‌ای‌خاتمه میدهد . زیاد طول نمیدهم هدف من همین نزدیکهاست .

اینجاراگورستان‌شهیدان‌میگویند. بـرای نشـان دادن نمونه‌ای از جنایت دشمنان نژاد وفرهنك‌ما، شمارابـاین‌گورستان میکشم‌تاوضع کردستان را ببینید دراین‌جاچندنفرهم‌نژادکردبدون محاکمه درزیرتوده‌های خاك‌زنده بگورشدند . کسی از آنها خبر نداشت‌واحدی نمیدانست که این عده صدنفری‌در کجازندانی‌شدند تنها چند نفر میدانستند ، دو راننده تراکتور جاده پاك‌کن‌و نیز عده‌ای سرباز ویك فرمانده عرب ، یعنی سرهنك صدیق . روزهائی گذشت ، خونهاریخته شد ، پدرها کشته شدند وزنها بیوه ماندندوطفلان معصوم بی‌پدر شدند .

بمب‌ها در کردستان ریخته شد وآتشها برپاشدـ‌نه‌این کشتار ونه‌این بمبهاونه‌قهقهه‌مسلسل‌ونه شعله خرمنها قدرت‌از بین‌بردن مبارزان کرد رانداشت‌ـ عاقبت سری فاش‌شد و جریان آن شب برسرزبانهاافتاد. شبی که ۶۰ نفر را زنده‌بگور کردند. باتراکتور. ها بروی آنها خاك‌ریختند، وقتی که مردم ازاین‌قضیه آگاه شوند خیلی‌دیربود ـ خروارهاخاك را برداشتند تاپیکرجوانان‌عزیزی را که در آغوش خاك خوابیده بودند بیرون کشند، ولی کسی آنهارا نمیشناخت، وسیله‌کلید و یاساعت ویارنك لباس آنها را میشناختند. این‌نمونه کوچکی‌از برادری وبرابری اکثریت غیر عرب عراق میباشدکه‌از برادران عرب متحمل‌میشوند.؟

بازهم سرسخن درازاست‌من فقط ازیك منطقه حرف‌میزنم و آنهم منطقه سلیمانیه است . هنگامیکه‌جنگجویان رشیدوبی‌ـ باك وقهرمانان‌آریا نژاد کرد ، درکوهستانها بالشگرهای‌سنگین عرب روبرو میشدند و در این جنگهای‌پارتیزانی‌عرب‌راشکست میدادند،شهر های کردستان و دهات‌این‌منطقه هم آرام نبودند غرش هولناك هواپیمای میك ، انفجار بمبهای ۹ تنی . دزدی افرادی‌بنام(جاش) ، لحظه‌ئی زنان وبچه‌ها وپیرسالان‌را آرام نمیگذاشت. رگبارهای‌مسلسل ، بمب‌های آتش زا دهات‌راخراب میکرد.ومردمی بیدفاع رابخون میکشانید، قوم‌اشرف‌مخلوقات‌قوم عرب‌هنگامیکه بدهات‌واردمیشدند خاطرات‌شوم مغول‌را برای نژاد آریا زنده‌میکرد . هیچگاه‌مغول آنقدروحشی‌نبودند؛

امروز روز ۲۵ اردیبهشت سال‌گذشته است زمانی است که مهاجمین ضـد آریائی موفق بگرفتن دهات نزدیك‌حلبچه‌شدند ودهی‌را گرفتندکه‌آنرا(عباعبیده)؛ مینامند ، این ده بکمك جاشها گرفته شدهنگامیکه نیروی‌زمینی وتانکها روبه‌آبادی جلومیرفتند هواپیماهای بزرك باریختن‌خروار هاآتش پیشروی این سپاه عظیم راآماده میکردند . واز عجائب این‌بودکه‌هوا پیمای قوی هیکل بجای بمب‌بروی‌آبادی حلبهائی ازگازوئیل میـریخت تا جناب (زعیم صدیق) (سرهنك صدیق) باکشیدن‌یك‌کبریت بهمه آرزوـ های مـردم این‌ده‌خاتمه دهد . وهمین‌کار را هم‌کرد. هنگامیکه آبادی درشعله‌میسوخت زمانیکه تانکها غرش کنان جلو میرفتند زمانیکه زنان معصوم گرفتار دست‌این‌افراد می‌شدندو صدایشان به‌آسمان میرسید وآن وقتیکه بچه ای برای دفاع از ناموس درگوشه‌ئی‌کمین‌کرده و با سپاهی لشکر وحتی‌با تانکها میجنگید وسرانجام‌آنوقتی‌که‌زعیم صدیق تلفنی بغدادرا ازگرفتن‌یك ده‌آگاه‌میسازددرمیان این‌هیاهو، دود وآتش وبوی باروت، بچه‌ای خردسال با موئی طلائی به‌آغوش یکی از مهاجمین میدود واز او میخواهد تا پدر زخمی اورا از میان آتش‌درکلبه‌ئی‌که شعله‌های آتش‌آنرامیسوزاندبیرون‌کشد.جواب اوچه بود؛

بچه را درآغوش‌کشید وسپس آهسته او بمیان‌آتش انداخت. لحظه‌ئی‌بعد صدای‌آن‌کودك‌برای همیشه خاموش شد ....

چلیک اخبار جهان

● امروز ۲۸ میلیون رای دهنده فرانسوی برای نخستین‌باربطور مستقیم وباانتخابات یك‌مرحله‌ای رئیس جمهور خودرا برخواهندگزید .

● لونای‌هشتم ایستگاه فضائی ۱۵۰۰ کیلوگرمی‌شوروی که بسوی‌کره ماه پرتاب شده‌است روزسه‌شنبه به‌کره ماه خواهد رسید،این‌چهارمین‌باری است‌که شوروی می‌کوشد ایستگاهی رادر کره‌ماه فرودآورد.

● سفینه فضائی‌جمینی۷ دیشب‌ازپایگاه‌فضائی‌کیپ‌کندی بفضا پرتاب شداین‌سفینه مدت دوهفته درفضا خواهد ماند و در آخرین‌روزهای حرکت‌خود باجمینی ـ۶ برنامه ملاقات درفضارا انجام‌خواهدداد . سفینه‌های جمینی ۶و۷ هردو دارای دوسرنشین هستند .

بحرین را دریابید

اسکناسها را نیز درروزنامه درج نمودیم و از مقامات مسئول و بخصوص وزارت خارجه خواستیم تا باین موضوع حیاتی و مهم توجه‌کنند وتوضیح دهند ـ اما توگوئی هیچ حادثه‌ای رخ نداده است ویا اگر هم حوادثی بوقوع پیوسته ازنظر مسئولین امر ارتباطی با ملت ایران نداشته و ندارد ؛

بهرحال ـ هموطن بحرینی‌ما در جوف‌نامه خود عکسهای بسیاری ازاسکناسهائی‌که اخیرا دربحرین رایج کرده‌اند فرستاده است‌که مایکی دیگر از اسکناسهای مورد بحث رادراین شماره نیز کلیشه میکنیم.

ضمنا برای‌آنکه هموطنان ازرنجها و مشکلات وستمهائی که درخلیج‌فارس برادران وخواهران آنان وارد میاید آگاه گردند و دریابندکه سازمانهای‌مسئول تاچه حد دراندیشه حقوق تاریخی‌این ملت وتیره‌های‌ایرانی مستقر درخلیج فارس و دیگر مناطق میباشند ؟ ا قسمتی از نامه هموطن بحرینی خودرا ذیلا درج مینمائیم؛

«... پیوست این‌نامه ، برگه‌ای‌که متضمن‌نقوش‌اسکناسهای تازه « بحرین»میباشد ، ارسال است . گمان نمیکنم ارسال آن برای‌شما لزومی داشته‌باشد ، و بعلاوه شمااز نقطه نظر حرفه‌ای که دارید(بمناسبت‌تماس دائم بااخبارومطبوعات) بهتر وبیشتراز نه وتوی آن وسایر جریانات سیاسی آنجا مطلع هستید . اما قصدم این‌است‌که تاکنون برتصورات قدیمی‌مان پابرجابوده‌ایم، ادعای‌ما بربحرین نه‌تنهافناناپذیرمیباشد **بلکه‌گرشدنی‌هم‌نیست** تاآنجا‌که چندسال قبل‌که بحرین بطور رسمی یکی از استانهای کشورما معرفی شده ماایرانیهای‌مقیم بحرین ازاین معرفی ساده وسطحی متحمل صدمات و مشکلات فراوانی‌شدیم ، بطوریکه‌املاك و مایملك عده زیادی ضبط‌شد . هزاران ایرانی اخراج شدند . حق‌تملك برای همیشه از آنها سلب شد . حتی حصول‌گذرنامه (البته گذرنامه بحرین) برای آنهائیکه چندین پشت درآنجا متوطن بودند هم‌غیر ممکن شد وبالاخره درمقابل تصمیم سطحی شما دواجه باچه‌عکس‌العملهای شدیددربحرین شدیم‌که تا امروز بان آغشته‌هستیم.

بهرتقدیرچون‌ما بااعتمادی‌که بدولت(حکومت)خودداشتیم، چنین می‌اندیشیدیم‌که بالاخره روزی فراخواهد رسیدکه ادعای حقیقی‌ما بهدف برسد ، ویالااقل نسبت بایرانیهائی‌که وارد آنجا میشوندخوش‌رفتارمیشودواقلامانندسایرخارجیان ! (ازقبیل‌هندیها) باآنهارفتارشود .

ازآن‌تاریخ سالها گذشت ، وبهمان موازات دانسته شدکه ادعاهای رسمی‌ایران فروکش‌نموده‌است . درسالهای اخیرپشت‌سر هم واقعاتی درخلیج فارس مخصوصا دربحرین ، روی داده است. دیدو بازدیدهائی‌شده‌است . معاهداتی صورت گرفته‌است.

رجال‌عالی رتبه انگلیس یادیگران‌ببحرین وارد شده و مذاکراتی‌صورت یافته است. نمایندگانی‌از«بحرین» درکنفرانس های‌خارج‌کشور نموده‌اند. وبالاخره تعلیمات دولت‌انگلیسی برای یك‌واحد مستقل اقتصادی ومالی‌مرکب از«دوبی، شارگه ، قطر و بحرین » اعلام‌شده‌است. متعاقب‌آن سخنرانی‌رادیوی‌لندن‌ومقالات روزنامه‌های دنیادرین زمینه‌شنیدیم، ولی‌آنچه بکلی‌شنیده‌نمیشود عکس‌العمل دولت‌ایران‌است. نه تنها ازطرف دولت‌ما(لااقل‌برای خالی‌نبودن عریضه)اعتراض‌وایرادی‌گرفته‌نمیشود . بلکه‌مطبوعات خودمان هم‌چنان خاموش شده‌اندکه گویا ازدرج مقالات‌سابق‌شان هم‌متاسف وپشیمان هستند . تصدیق میفرمائیدکه روزنامه‌هاوسایر مطبوعات،حتی شمه‌ای از همین وقایع وجریانات‌اخیر‌که درخلیج فارس، مخصوصا دربحرین‌روی‌داده حتی‌برسبیل‌اخباروزهم‌منعکس ننموده‌اند . چرا ؟ آخرچرا ؟

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org